

گزارش
مهاجران



سراب کارگری در کشورهای همسایه

کارگران ایرانی که در عراق و ترکیه کار می‌کنند، در گفت‌وگو با هم میهن از کاهش دستمزدها و تغییر شرایط کار در این کشورها می‌گویند

سارا سبزی

خبرنگار گروه جامعه

پنجشنبه که برسد، حامد باید از بصره‌ی عراق به شوشتر برگردد تا ویزای توریستی یک‌ماهه‌اش را تمدید کند و دوباره خودش را به این شهر برساند؛ والی که در هر پروژه کاری در عراق باید طی کند: هر ۲۸ روز یکبار، یک پا در ایران و یک پا در عراق تا بتواند به کار در این کشور ادامه دهد و پیمانکار هم دستمزد کاشی‌کاری‌اش را آخر ماه، نقد و با دینار عراق به او پرداخت کند.

حامد یکی از هزاران کارگری است که در ایران زندگی می‌کنند اما شغل‌شان را در عراق، ترکیه و ارمنستان پیدا می‌کنند. مهاجرت نیروهای کارگر از ایران، موضوع تازه‌ای نیست، سال‌هاست کارگران زیادی از استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، کردستان، کرمانشاه، خوزستان و... در عراق، ترکیه و ارمنستان حضور دارند. بخشی از اعزام نیروی کار به این کشورها به کمک کارپایی‌های غیررسمی و تلگرامی و بخشی به‌واسطه آشنایانی است که کارفرمای عراقی، ترک و ارمنی را به ایران وصل می‌کنند. گفت‌وگو با کارگران ایرانی فعال در این کشورها وضعیت این بازار را روشن می‌کند و نشان می‌دهد که دیگر خبری از دستمزدهای روایی نیست و تقریباً با ایران تفاوتی ندارد. حالا این شرایط بازار کار ایران است که کارگر را به کشورهای همسایه می‌کشاند.

از معدود واکنش‌های رسمی به مهاجرت کارگران ایرانی، می‌توانیم به گفته‌های رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس اشاره کنیم که به‌تازگی گفته است: «ما هیچ آمار رسمی‌ای از مهاجرت کارگران حرفه‌ای نداریم. شاید در موضوع نخبگان، پزشکان و متخصصان آمار در دست باشد، اما به‌عنوان کمیسیون اجتماعی آمار رسمی‌ای راجع به مهاجرت کارگران حرفه‌ای و مهارتی نداریم؛ بنابراین نمی‌توان قطعی در این باره اظهار نظر کرد. البته ما باید به‌خاطر تخصص کارگران کشور - به‌ویژه در بحث دستمزدی که یک‌ماه بعد در لایحه بودجه مشخص خواهد شد - این قشر را ویژه ببینیم. باید باتوجه به تخصص و سندیکای کاری که کارگران دارند، دستمزد آن‌ها را مشخص کنیم و یک نسخه برای همه کارگرها نیچیم. قطعاً این روند در میزان رضایت آن‌ها مؤثر است و موجب کمتر شدن مهاجرت احتمالی‌شان خواهد شد.»

جهانبخش سنجایی شیرازی، دبیرکل اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق هم درباره این موضوع صحبت کرده و دستمزد را عامل اصلی مهاجرت این گروه می‌داند. او قبلاً گفته بود که یک کارگر متخصص ایرانی با همین میزان مهارت در ایران، در صورت مهاجرت به

یک کارگر مهاجر:
کار در عراق اصلاً به صرفه نیست؛ چون نه امکانات رفاهی دارد، نه بهداشت، ولی مجبوریم برای کار به این کشور بیاییم تا جوابگوی زن و فرزندمان باشیم و از پس مخارج مان ببریم. در شهر خودم کار پیدا می‌شود، ولی پول نیست و کار در آنجا کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد. ما کار را به بهترین شکل تحویل می‌دهیم، اما صاحب کار یا پولی برای پرداخت دستمزد ندارد یا قسطی آن را می‌دهد

کشور عراق، حدود ۲ هزار دلار حقوق دریافت می‌کند که بسیار متفاوت با حقوق ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومانی در ایران است. حتی با این شرایط برای کارفرما بسیار مقرون به صرفه است تا با تامین هزینه اقامت یک نیروی کار ایرانی و این میزان حقوق، پذیرای نیروی کارگر ماهر ایرانی باشد.

روایت اول: شب‌ها روی کارتن می‌خوابیم

حامد، استادکار کاشی و اهل شوشتر خوزستان است که ۱۳ سال پیش کارش را شروع کرد. او حالا با دو فرزند کوچک و سابقه کار زیاد، هر سال حدود شش ماه را در شهرهای مختلف عراق کار می‌کند و دوباره به ایران برمی‌گردد. آخرین باری که کارفرمای عراقی به او پیشنهاد کار داد، ۲۸ روز پیش بود و او حالا در بصره، در یک پروژه ساختمانی مشغول است. همه همکاران حامد در این پروژه، ایرانی‌اند و در یک اتاق کوچک نزدیک محل کارشان زندگی می‌کنند: «یک ماه در عراق کار می‌کنیم و یک هفته در ایران می‌مانیم. کار کردن در ایران کفاف مخارج زندگی را نمی‌دهد. اگر کاری در عراق پیدا نشود، بیشتر در خانه می‌مانیم. کار با پیمانکار عراقی هم سخت نیست؛ اگر خوب و بدون ایراد کار کنیم، پول را نقد و به دینار عراق می‌گیریم. کمتر پیش می‌آید که دستمزدمان را کامل پرداخت نکنند.»

به غیر از حامد، هم‌اتاقی‌های دیگرش هم هر ماه باید ویزای‌شان را تمدید کنند، چون برای کار در عراق ویزای توریستی گرفته‌اند که قبلاً ۴۰ دلار هزینه داشت، ولی الان رایگان است.

به‌عنوان استادکار ماهر، ماهیانه در عراق چقدر دستمزد می‌گیرید؟

ماهان حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیون تومان، همچنین هزینه رفت‌وآمد را هم خودمان پرداخت می‌کنیم. خیلی از کارگران شهر ما -شوشتر- برای کار به عراق می‌آیند. از شهرهای دیگر خوزستان هم می‌آیند مثل: اهواز، سوسنگرد، بستان‌آباد، آبادان، خرمشهر و...

کار در عراق برای خودت و همکارتان صرفه اقتصادی دارد؟

اصلاً به‌صرفه نیست؛ چون نه امکانات رفاهی دارد، نه بهداشت، ولی مجبوریم برای کار به این کشور بیاییم تا جوابگوی زن و فرزندمان باشیم و از پس مخارج مان ببریم. در شهر خودم کار پیدا می‌شود، ولی پول نیست و کار در آنجا کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد. ما کار را به بهترین شکل تحویل می‌دهیم، اما صاحب کار یا پولی برای پرداخت دستمزد ندارد یا قسطی آن را می‌دهد؛ من هم کارگر دارم، باید پول آنها را بدهم و چند بار بابت همین موضوع با کارفرما دچار مشکل شدم و کار

به درگیری هم رسید.

اگر کارفرما در ایران به‌موقع دستمزد بدهد، ترجیح می‌دهی ایران کار کنی یا عراق؟

درست است که قیمت‌ها در ایران کمتر است، ولی اگر راهی باشد که راحت‌تر به پول مان برسیم، ایران می‌مانیم. همین که شب پیش خانواده‌ات می‌مانی، خودش سود است. من دو فرزند دارم و دلم برای‌شان تنگ شده؛ تا امروز ۲۸ روز است که آنها را ندیدم ولی اینجا کار می‌کنم تا نیازهای اولیه زندگی‌ام را فراهم کنم.

در سال، چند ماه در عراق کار می‌کنید؟

هرسال حدود شش ماه در این کشور کار می‌کنیم و وقتی برمی‌گردیم، منتظر می‌مانیم پیمانکار عراق زنگ بزند و دوباره پیشنهاد کار بدهد.

همزمان که درباره کار و زندگی در عراق حرف می‌زند، عکس‌هایی از محل اسکان‌شان هم می‌فرستد و پایین آنها می‌نویسد: «آب را روی آتش گرم می‌کنیم تا دوش بگیریم.»

عکس دیگری هم از اتاق بسیار کوچکی می‌فرستد که فقط یک چهاردیواری است و چند موکت دارد و جای چارچوب در هم خالی است که با یک پرده، آن را پوشانده‌اند. یک کیسول گاز و آویز لباس گوشه اتاق و وسایل پخت‌وپز هم کنارشان چیده شده. عکس را که می‌فرستد، پایین‌اش می‌نویسد: «شب‌ها روی کارتن می‌خوابیم. ذلت و حقارت را به تمام معنا اینجا داریم تجربه می‌کنیم. امیدوارم این حرف‌هایم به گوش کسانی برسد که بتوانند فکری کنند و ما را نجات دهند. دوری از خانواده خیلی سخت است.»

روایت دوم: دستمزدها تفاوت چندانی ندارد

«شغل من سنگ‌کاری است و ۲۰ سال است که مشغول به این کارم. اوایل دهه ۸۰ هم برای کار به کردستان عراق می‌رفتم. سال‌هایی که جنگ بود، در کرکوک بودم و در تمام این سال‌ها هم بین ایران و عراق -برای کار- در رفت‌وآمد بودم. چه زمانی که ارزش دلار کمتر از ریال ایران بود، چه حالا که چند برابر شده، میزان مهاجرت کارگران از شهر من به عراق تغییر چندانی نداشته است که بگوییم الان بیشتر شده است. آنها به‌دلیل آشنایی‌ای که با کردستان عراق دارند، هم‌زمانی، داشتن دوست و آشنا و نرخ بیکاری منطقه، برای کار زیاد به این منطقه می‌روند.»

میکائیل، ساکن میروان است و با پیمانکاران کردستان عراق به‌عنوان استاد سنگ‌کار کار می‌کند. او به غیر از شغل خودش، فعالیت صنفی هم دارد و عضو انجمن صنفی کارگران ساختمانی استان کردستان است. شهر ۱۵ کیلومتری کردستان عراق فاصله دارد و او هم به‌واسطه آشنایانی که در این منطقه دارد، می‌تواند پروژه‌های کاری

کاشت حلزون شنوایی رایگان شد

سعید کریمی، معاون درمان وزارت بهداشت گفت: «میزان موالید کشور طی سال‌های گذشته، بین یک میلیون تا یک میلیون و ۳۰۰ هزار تولد بوده است که براین اساس حدود ۲۰۰۰ کودک، ناشنوا به دنیا می‌آیند. به‌نظر می‌رسد بین ۴۰ تا ۶۰ درصد این کودکان، شرایط کاشت حلزون شنوایی را دارند زیرا علاوه بر تامین رایگان پروتز حلزون شنوایی، سایر هزینه‌های اعمال کاشت شامل: هزینه هتلینگ بیمارستانی، هزینه حق‌العمل تیم جراحی و هزینه جلسات توانبخشی در سال اول بعد از عمل کاشت را هم وزارت بهداشت عهده‌دار شد. یعنی وزارت بهداشت هم حلزون را به‌صورت رایگان در اختیار افراد قرار داد، هم خدمات پزشکی آنها را در مجموع صفر کرد تا مردم عملاً از پرداخت هرگونه هزینه‌ای معاف شوند.» به گزارش ایسنا او ادامه داد: «برای آنکه خدمات کاشت حلزون از منابع پایدار برخوردار شود، درمان و توانبخشی کاشت حلزون در لیست بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج قرار گرفته و از حمایت‌های صندوق بیماران خاص و صعب‌العلاج برخوردار شده است.»

تعیین تکلیف کودکان شیرخوارگاه‌ها

محمد نصیری، مدیرکل بهزیستی استان تهران با اشاره به ماده ۶ قانون حمایت از حقوق کودکان گفت: «در این ماده برای ۱۴ دستگاه وظایفی مشخص شده که در رأس آن سازمان بهزیستی است و وظایف سایر دستگاه‌ها هم در این ماده معلوم است، اما برخی از این وظایف دچار غفلت شده یا با کیفیت لازم اجرا نمی‌شود.» به گزارش ایسنا او افزود: «حدود چهار ماه پیش در مجتمع شیرخوارگاه آمنة، مجتمع شوق زندگی فعالیت خود را آغاز کرد. دی ماه سال گذشته تعداد کودکان در مراکز شیرخوارگاهی استان، ۴۰۰ کودک بود که با هماهنگی بین‌بخشی انجام‌شده و استقرار دادیار، در حال حاضر در استان تهران هیچ کودکی بیش از ۶۰ روز بلا تکلیف در شیرخوارگاه نداریم و تعداد مجموع کودکان سه شیرخوارگاه استان به حدود ۱۲۰ کودک رسیده است.»

جزئیات صدور شناسنامه برای بی‌شناسنامه‌ها

هاشم کارگر، رئیس سازمان ثبت احوال کشور، با اشاره به ثبت‌نام حدود ۲۵۰ هزار نفر فاقد شناسنامه در سامانه مربوطه گفت: «این سامانه به‌منظور شناسایی، صدور کارت موقت و در نهایت تعیین تکلیف افراد فاقد شناسنامه با هدف استفاده از خدمات اجتماعی در راستای تکلیف دستورالعمل مقابله با فقر مطلق و کاهش هزینه‌های حاکمیتی صورت گرفته است که افراد بتوانند در این سامانه ثبت‌نام و برای احراز هویت و تابعیت و در نهایت صدور شناسنامه، اقدام کنند.» به گزارش ایرنا، او با تأکید بر اینکه تاکنون شناسنامه‌ای برای این افراد صادر نشده چون در مرحله رسیدگی بوده است، ادامه داد: «رسیدگی به وضعیت کودکان حاصل از ازدواج مادر ایرانی و پدر خارجی و گرفتن شناسنامه براساس قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از این ازدواج، با پدران خارجی است و آنها برای گرفتن تابعیت باید به اداره اتباع استناداری‌ها مراجعه کنند و چنانچه تابعیت‌شان مورد تأیید قرار بگیرد، اسناد هویتی ایرانی برای‌شان صادر می‌شود. در حال حاضر برای ۲۶ هزار مورد آنها، شناسنامه صادر شده است.»